

تصمیمات بزرگ

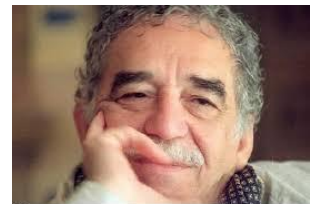
نویسنده: مهدی رفتاری



درگذشت گابریل گارسیا مارکز بهانه ای شد تا یکی از جملات وی را که من به شدت آن را حس کرده و به آن باور دارم و بارها هم در جلسات و دوره های آموزشی گفته ام را مرور کنم:

”در ۵۵ سالگی پی بردم که تصمیمات کوچک را باید با مغز گرفت و تصمیمات بزرگ را با قلب.“

کاش این جمله و درک مفهوم عمیقش را سالها قبل تر به دست آورده بودم و تصمیمات بزرگم را بر مبنای آن می گرفتم و قطعاً نتایج بهتری داشت. ما در مهندسی صنایع و علم مدیریت همواره به دنبال بهینه سازی و آپتیمایزیشن هستیم و از مدل های ریاضی و محاسبات منطقی برای حل مسائل و راه حل های علمی کمک می گیریم و به تدریج یاد می گیریم که مسائل را منطقی و مغزی حل کنیم اما با تمام احترامی که برای این روش ها قایل هستم استفاده از آن را برای تصمیمات مهم زندگی (مانند انتخاب رشته، شغل، همسر و ...) کاملاً رد می کنم و این گونه تصمیمات را باید به احساس و قلب محول کرد.



البته در ادبیات مدیریت هم آقای هربرت سایمون نظریه ای دارد که به خاطر آن جایزه نوبل گرفته و قبل از آن دولت آمریکا برای نظریه اش ۱۸ سال به وی حق کیی رایت پرداخت کرده است! اما وی چه می گوید؟ حرف خاصی نیست ولی خیلی جای تامل دارد و می تواند خیلی از برنامه های ما را تحت الشعاع خود قرار دهد. وی خاطرنشان می کند که تصمیم های انسان به دلیل محدودیت های ذهنی، اصولاً نمی تواند عاقلانه باشد و ما بر اساس احساسمان تصمیم می گیریم! خب ببینید این مفهوم در حوزه علوم سیاسی و علوم مرتبط با تبلیغات و بازاریابی می تواند چه جایگاهی داشته باشد و چقدر می توان از آن سود جست.



در مجموع در تصمیمات بزرگ، اصالت احساس و قلب مهم تر از محاسبات و منطق و مغز است و می توان گفت: قلبت را دنبال کن اما مغزت را هم با خود ببر!

مهدی رفتاری، ۳۰ فروردین ۹۳